
تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۵

آیه ۱۵۰ - ۱۵۱

آیه و ترجمه

۱۵۰ - و لما رجع موسی الی قومه غضبین اءسفا قال بیئسما خلفتمونی من بعدی اءعجلتم امر ربکم و اءلقى الاءلواح و اءخذ براءس اءخیه یجره الیه قال ابن اءم ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الاءعداء ولا تجعلنی مع القوم الظلمین

۱۵۱ قال رب اغفرلی و لاءخی و اءدخلنا فی رحمتک و اءنت اءرحم الرحمین

ترجمه :

۱۵۰ - و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت گفت پس از من بد جانشینانی برایم بودید (و آئین مرا ضایع کردید) آیا در فرمان پروردگارتان (و تمدید مدت میعاد او در قضاوت) عجله نمودید؟! سپس الواح را افکند و سر برادر خود را گرفت (و باعصبانیت) به سوی خود کشید، او گفت: فرزند مادرم! این گروه مرا در فشار گذاردند و نزدیک بود مرا به قتل برسانند بنابراین کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده.

۱۵۱ - (موسی) گفت پروردگارا! من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت خود داخل کن و تو مهربانترین مهربانانی.

تفسیر :

عکس العمل شدید در برابر گوساله پرستان

در این دو آیه ماجرای درگیری موسی (علیه السلام) با گوساله پرستان به هنگام بازگشت از میعادگاه، که در آیه گذشته تنها اشاره ای به آن شده بود تشریح

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۶

گردیده، و عکس العمل شدید موسی (علیه السلام) که برای بیدار ساختن این جمعیت انجام داد، منعکس گردیده است.

نخست می‌گوید: «هنگامی که موسی خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت و صحنه زنده و نفرت‌انگیز گوساله‌پرستی رامشاهده نمود، به آنها گفت بد جانشینانی برای من بودید و آئین مراضایع کردید». (و لما رجع موسی الی قومه غضبان اسفا قال بئسماخلفتمونی من بعدی). این آیه به خوبی نشان می‌دهد که موسی (علیه‌السلام) به هنگام بازگشت از میعادگاه پروردگار و قبل از آنکه با بنی اسرائیل روبرو بشود، خشمناک و اندوهگین بود، و این به خاطر آن است که خداوند در میعادگاه، جریان را به موسی (علیه‌السلام) گفته بود که من قوم تو را بعد از تو آزمودم، و سامری آنها را گمراه ساخت (قال فانا قد فتنا قومک من بعدک فاضلهم السامری) (سوره طه آیه ۸۵).

سپس موسی (علیه‌السلام) به آنها گفت: «آیا در فرمان پروردگار خود، عجله نمودید»، (اءعجلتم امر ربکم). گرچه مفسران در تفسیر این جمله، سخن بسیار گفته‌اند و احتمالات گوناگون داده‌اند، ولی ظاهر آیات نشان می‌دهد که منظور این است که شما در برابر فرمان خدا به نسبت تمدید مدت سی شب به چهل شب، عجله به خرج

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۷

دادید و در قضاوت شتاب نمودید، نیامدن مرا دلیل بر مرگ و یا خلف وعده گرفتید، در حالی که لازم بود حداقل کمی تأمل کنید تا چند روزی بگذرد و حقیقت امر روشن گردد.

در این هنگام که موسی در برابر لحظاتی بحرانی و طوفانی از زندگی بنی اسرائیل قرار گرفته بود، سر تا پایش از شدت خشم برافروخته و اندوه عمیقی بر روح او سنگینی می‌کرد، و شدیداً نگران آینده بنی اسرائیل بود، زیرا تخریب و فساد کار آسانی است، و گاه از دست یک نفر خرابیهای بزرگی ساخته است، ولی اصلاح و ترمیم کار مشکلی است.

مخصوصاً در میان یک ملت نادان و لجوج و متعصب، اگر نغمه مخالفی سر داده شود، برچیدن آثار شوم آن به این آسانی ممکن نیست. موسی (علیه‌السلام) در اینجا باید خشم شدید خود را آشکار سازد و دست به بالاترین عکس‌العمل‌ها بزند آنچنان که افکار تخدیر شده بنی اسرائیل را به هم

بریزد و انقلابی در آن جامعه منحرف شده از حق ایجاد کند، در غیر این صورت بازگشت آنها به آسانی ممکن نیست.

قرآن عکس العمل شدید موسی (علیه السلام) را در برابر این صحنه و در این لحظات بحرانی و طوفانی چنین بازگو می کند «موسی بی درنگ الواح تورات را از دست خود بیفکند و به سراغ برادرش هارون رفت و سر و ریش او را گرفت و به سوی خود کشید»! (و القی الالواح و اخذ براءس اخیه یجره الیه). چنانکه از آیات دیگر قرآن مخصوصا سوره طه استفاده می شود علاوه بر اینها شدیداً هارون را مورد سرزنش و ملامت قرار داد و بر او بانگ زد که آیا در حفظ عقائد جامعه بنی اسرائیل کوتاهی کردی و با فرمان من مخالفت نمودی؟

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۸

در حقیقت این واکنش از یکسو روشنگر حال درونی موسی (علیه السلام) و التهاب و بی قراری و ناراحتی شدید او در برابر بت پرستی و انحراف آنها بود، و از سوی دیگر وسیله مؤثری برای تکان دادن مغزهای خفته بنی اسرائیل و توجه دادن آنها به زشتی فوق العاده اعمالشان.

بنابراین اگر فرضاً انداختن الواح تورات در اینجا زندگی داشته باشد و حمله به سوی برادر کار صحیحی به نظر نرسد. اما با توجه به این حقیقت که بدون ابزار این واکنش شدید، و عکس العمل پرهیجان، هیچگاه بنی اسرائیل به اهمیت و عمق خطای خویش پی نمی بردند و ممکن بود آثار بت پرستی در اعماق ذهنشان باقی بماند، این کار نه تنها نکوهیده نبود بلکه واجب و لازم محسوب می گردید.

و از اینجا روشن می شود که ما هیچ نیازی به توجیهاتی که بعضی از مفسران برای سازش دادن واکنش موسی (علیه السلام) با مقام عصمت انبیاء ذکر کرده اند نمی بینیم.

زیرا می توان گفت در اینجا موسی (علیه السلام) به قدری ناراحت شد که در هیچ لحظه از تاریخ بنی اسرائیل چنین ناراحتی و خشم شدیدی برای او رخ نداد، چون خود را در برابر بدترین صحنه ها یعنی انحراف از خداپرستی به سوی گوساله پرستی می دید و تمام آثار را در خطر مشاهده می کرد.

بنابراین انداختن الواح و مؤاخذه شدید برادر در چنین لحظه ای کاملاً طبیعی بود.

این واکنش شدید و اظهار خشم اثر تربیتی فوق العاده‌ای در بنی اسرائیل گذارد، و صحنه را به کلی منقلب ساخت، در حالی که اگر موسی (علیه السلام) می‌خواست با کلمات نرم و ملایم آنها را اندرز دهد شاید کمتر سخنان او را می‌پذیرفتند.

سپس قرآن می‌گوید: هارون برای برانگیختن عواطف موسی (علیه السلام) و بیان بی‌گناهی خود گفت: «فرزند مادرم! این جمعیت نادان مرا در ضعف و اقلیت

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۷۹

قرار دادند آنچنان که نزدیک بود مرا به قتل برسانند بنابراین من بی‌گناه بی‌گناه، کاری نکن که دشمنان به شماتت من برخیزند و مرا در ردیف این جمعیت ظالم و ستمگر قرار مده» (قال ابن ام ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الاعداء و لا تجعلنی مع القوم الظالمین).

تعبیر به «ابن ام» در این آیه و یا «یا ابن ام» در آیه ۹۴ سوره طه (فرزند مادرم) با اینکه موسی و هارون از یک پدر و مادر بودند، به خاطر تحریک عواطف موسی (علیه السلام) در این حال بوده است، سرانجام این جریان اثر خود را گذارد و بنی اسرائیل به زودی متوجه زشتی اعمال خویش شدند و تقاضای توبه کردند.

آتش خشم موسی کمی فرو نشست و به درگاه پروردگار متوجه شد و عرض کرد «پروردگارا من و برادرم را بیامرز و ما را در رحمت بی‌پایانت داخل کن، تو مهربانترین مهربانانی» (قال رب اغفر لی و لاخلی و ادخلنا فی رحمتک و انت ارحم الراحمین).

تقاضای بخشش و آمرزش برای خود و برادرش نه به خاطر آن است که گناهی از آنها سرزده بلکه یکنوع خضوع به درگاه پروردگار و بازگشت به سوی او و ابراز تنفر از اعمال زشت بت پرستان و همچنین سرمشقی است برای همگان تا فکر کنند جائی که موسی و برادرش که انحرافی پیدا نکرده بودند چنین تقاضائی از پیشگاه خدا کنند، دیگران باید حساب خود را برسند و سرمشق بگیرند و رو به درگاه پروردگار آورده، از گناهان خود تقاضای عفو و بخشش کنند، و چنانکه دو آیه قبل نشان می‌دهد بنی اسرائیل نیز چنین کردند.

مقایسه‌ای میان تواریخ قرآن و تورات کنونی

همانطور که از آیات فوق و آیات سوره طه استفاده می‌شود، گوساله‌ای را

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۸۰

بنی اسرائیل ساخته نه هارون، و طبق آیات سوره طه، شخصی از میان بنی اسرائیل بنام سامری اقدام به چنین کاری کرد، اما هارون برادر و معاون و یاور موسی از پای ننشست و حداکثر تلاش و کوشش را بکاربرد، آنچنان که نزدیک بود او را به قتل برسانند.

ولی عجیب این است که تورات کنونی گوساله سازی و دعوت به بت پرستی را به هارون، برادر و جانشین و وزیر موسی (علیه السلام) نسبت می‌دهد! در فصل ۳۲ از سفر خروج تورات چنین می‌خوانیم:

«و هنگام دیدن قوم که موسی از فرود آمدن از کوه درنگ می‌نماید، آن قوم نزد هارون جمع آمده وی را گفتند که برخیز و از برای ما خدایانی بساز که در پیشاپیش ما بروند، زیرا که این موسی مردی که ما را از ملک مصر بیرون آورد نمی‌دانیم که وی را چه واقع شد - و هارون به ایشان گفت: گوشواره‌های زرینی که در گوشهای زنان و پسران و دختران شما، بیرون کرده نزد من بیاورید - پس تمامی قوم گوشواره‌های زرینی که در گوشهای ایشان بودند بیرون کرده به هارون آوردند - و آنها را از دست ایشان گرفته، آنرا به آلت حکاکی تصویر نموده، از آن گوساله‌ای ریخته شده ساخت و گفتند که ای اسرائیل اینانند خدایان تو که تو را از زمین مصر بیرون آوردند...».

و به دنبال آن مراسمی را که هارون برای قربانی کردن در برابر این بت تعیین کرده بود بیان می‌کند!

و سپس ضمن شرح مفصلی اشاره به بازگشت موسی (علیه السلام) و خشمناک شدن او و انداختن الواح تورات کرده می‌گوید:

«و موسی به هارون گفت که این قوم به تو چه کردند که به این گناه عظیم ایشانرا مرتکب گردانیدی؟!»

- و هارون گفت که غضب آقایم افروخته نشود که این قوم را می‌دانی که

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۸۱

مایل به بدی هستند...»!

آنچه در بالا گفته شد قسمتی از داستان گوساله پرستی بنی اسرائیل در تورات کنونی با عین عبارت بود، در حالی که خود تورات اشاره به مقام برجسته هارون در فصول دیگر کرده از جمله تصریح می کند بعضی از معجزات موسی (علیه السلام) به دست هارون آشکار گشت (فصل هشتم از سفر خروج تورات).

و هارون را به عنوان پیغمبر از طرف موسی (علیه السلام) معرفی می کند (فصل هشتم از سفر خروج).

و در هر صورت برای هارون که رسماً جانشین موسی (علیه السلام) بود و عارف به معارف شریعت او، مقام والائی قائل است، اما خرافه رابینید که او را بت ساز و عامل بت پرستی معرفی نموده و حتی در برابر اعتراض موسی (علیه السلام) به هارون عذر بدتر از گناه از او نقل کرده است که چون این قوم مایل به بدی بودند من هم به بدی تشویقشان کردم! در حالی که قرآن دامن این دو رهبر را از هر گونه آلودگی به شرک و بت پرستی پاک می داند.

تنها در اینجا نیست که تاریخ قرآن مظهر پاکی انبیاء و پیامبران، و تاریخ تورات کنونی مملو از انواع اهانتها و خرافات نسبت به ساحت قدس آنها است و به عقیده ما یکی از طرق شناسائی اصالت قرآن و تحریف تورات و انجیل کنونی همین بررسی و مقایسه میان تواریخی است که در این کتب پیرامون زندگی انبیاء آمده است.